

ترمینولوژی مذاکره و رشته‌های وابسته

www.ketab.ir

مولف: دکتر محمد حسین غوثی



سرشناسه	: غوثی، محمدحسین، ۱۳۴۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: ترمینولوژی مذاکره و رشته‌های وابسته / مولف محمدحسین غوثی؛ ویراستار فاطمه زندی.
مشخصات نشر	: تهران: آوای نی، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۹۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۰۷۰-۸-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۹۰-۲۸۵.
موضوع	: مذاکره
موضوع	: Negotiation
رده بندی کنگره	: BF۶۳۷
رده بندی دیویی	: ۱۵۸/۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۳۵۷۳۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا



ترمینولوژی مذاکره و رشته‌های وابسته

مؤلف / دکتر محمد حسین غوثی

ناشر / انتشارات آوای نی

ویراستار/ فاطمه زندی

صفحه آرا / فاطمه زندی

مدیر فنی / احمد گودرزی

طراح جلد/ مهران قلی‌پور

قطع و صفحه: وزیری - ۲۹۰ ص

نوبت چاپ/ اول ۱۴۰۰

تیراژ / ۱۱۰۰ جلد

چاپ و صحافی / ماندگار (قلی‌پور)

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۰۷۰-۸-۱

قیمت: ۱۴۰.۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی انتشارات: سعادت آباد، بلوار پیام، خیابان صبحی، برج مهروماه، پلاک ۱

تلفن: ۰۹۱۳۱۴۹۵۲۶۶

صفحه	عنوان
۳۵	دییاجه ناشر
۳۷	مقدمه مولف
۳۹	گفتار اول - مفاهیم مذاکره
۴۰	اصل اصالت مذاکره
۴۰	اصل بیان پذیری خواسته ها
۴۰	باتنا
۴۱	منافع
۴۱	نیاز
۴۱	خواسته
۴۲	هزینه
۴۲	ارزش
۴۲	پائین ترین سطح انتظار
۴۲	بالا ترین ارزش مورد انتظار
۴۳	زوپا
۴۳	خط کف
۴۳	مدل هاروارد در مذاکره
۴۴	موضع گیری
۴۵	جداکردن اشخاص از مسئله
۴۵	معیار عینی
۴۶	خط قرمز
۴۷	پیش فرض

۴۸	پیش فرض وجودی
۴۸	پیش فرض واقعی
۴۸	پیش فرض غیر واقعی
۴۹	پیش فرض واژگانی
۴۹	پیش فرض های ساختاری
۴۹	پیش فرض های خلاف واقع
۵۰	گفت و گوی بیرونی
۵۰	گفت و گوی درونی
۵۱	اصل توقف مذاکره درونی
۵۱	نقش های مذاکره
۵۱	نقش رهبر
۵۲	اصل تعادل کمی
۵۲	اصل مشارکت
۵۲	اصل هماهنگی
۵۲	اصل حمایت همکار
۵۳	نقش خوب
۵۳	نقش بد
۵۳	تکنیک آدم خوب، آدم بد
۵۴	نقش تحلیل گر فنی
۵۴	نقش تحلیل گر رفتارهای انسانی
۵۴	مفهوم پرستو

۵۵	مذاکرات اثبات گرایانه
۵۵	مذاکرات ایدئولوژیک
۵۶	مذاکرات حل مسئله
۵۷	درک نیاز
۵۷	سوالات دستور جلسه ای
۵۷	سوالات دلیل مذاکره
۵۸	سوالات در مورد معیار
۵۹	سوالات مبتنی بر فرآیند
۶۰	مغالطه پنجره شکسته
۶۱	صدای سینوسی
۶۱	ارضای روانی
۶۱	انصاف
۶۲	عدالت
۶۲	انعطاف
۶۳	صداقت
۶۴	مدیریت زمان
۶۴	افراد موثر
۶۵	افراد مانع
۶۵	افراد مختار
۶۵	فریب
۶۶	پنهان کاری

صفحه

عنوان

۶۷	دروغ
۶۸	انواع بلوف
۶۹	مشتری‌مداری
۶۹	روابط انسانی
۷۰	گوش دادن فعال
۷۰	نماس چشمی
۷۱	عبارات جعلی
۷۲	فرهنگ
۷۲	پروتکل مذاکره
۷۲	ترس از غریبه‌ها
۷۳	پروتکل تشریفات
۷۳	کاریز ما
۷۴	بازارهای مصرفی
۷۴	بازارهای تجاری
۷۴	بازارهای دولتی
۷۵	دستور جلسه
۷۵	تکنیک ماهی قرمز
۷۵	صور جلسه
۷۵	تکنیک خلاصه کردن
۷۶	تفاهم‌نامه
۷۶	توافق‌نامه

۷۷	پیش قرارداد
۷۷	قرارداد
۷۸	الحاقیه
۷۸	اصلاحیه
۷۸	مدل واکر و هریس
۷۹	مدل کاراس
۷۹	مدل هرب کوهن
۸۰	بی منطقی
۸۰	قدرت حقانیت
۸۱	گفتار دوم - دام‌ها و ترفندها
۸۲	دام قدرت
۸۲	بی قدرتی
۸۳	سیاست جنازه
۸۳	دام باتنا
۸۳	دام سرمایه گذاری
۸۴	دام اعتماد به نفس کاذب
۸۵	تکنیک چماق و هویج
۸۵	نقض خزنده
۸۶	استراتژی سلامی
۸۶	آدم پوشالی
۸۷	تکنیک رد حالت‌های دیگر

بنام خدا

آغاز...

چرا آوا؟

چرا نی؟

چرا آوا نی؟

دیباچه مثنوی بلندبالای عارف بی مانند همه دوران‌ها، بی‌نامه است؛ ابیاتی شگفت آکنده از استعاراتی شگرف؛ روایت تکه‌ای چوب که هرچه میان تهی‌تر و صاف‌تر، آوایش، آسمانی‌تر و ژرف‌تر!

همین بهانه عمیق و دقیق کافی بود تا بر آن شویم با «آوا نی» دورانی تازه بی‌آغازیم. به جای قطعه‌ای چوب، اوراق کتاب. به جای دم نوازنده، واژگان نویسنده.

و

به جای گوش شنونده، چشمان حقیقت‌جوی خواننده.

دیگر...

می‌گویند بسیاری از پدیده‌ها در تضاد، معنی می‌یابند؛ چنانچه شب با روز یا تلخی و زهر با شیرینی و حلاوت.

اگر همه زمان‌ها در چیرگی خورشید و روز بگذرد، شباهنگام و ماهتاب، بی‌معنی‌ست. به این قرار، نور در تاریکی درک می‌شود و برافروختن چراغ در ظلمات، معنا می‌یابد. در هنگامه تیره‌ای از توجه به دریافت و آگاهی و بی‌توجهی به امر مطالعه، «انتشار کتاب» و دعوت به خواندن، همان چراغی‌ست که بهر روشنایی روشن می‌شود؛ کتابی که

ریشه در اندیشه دارد و اندیشه‌ای که با ابزار قلم و جامه واژگان، به زیور طبع آراسته شده است. مگر نه اینکه حضرت حق به قلم و آنچه می‌نگارد سوگند خورده است؟!

بر خویش دیدیم که در بلبشوی مجازستان و دوران نخواندن، مایوس و عبوس نشویم، شیرینی کام جان را در دوام دانایی بیابیم و گام در راهی نهیم که نه فقط «نشستنِ باطل» نیست، بلکه «به راه بادیه رفتن»ی امیدوارانه و سودمند است و بی‌شک، «مُرادیافتن» فراچنگ می‌آید با خوانندگانِ نغزی که عظمت مغز را ارج می‌نهند و دوی اعتلای جان را از داروی ابتلای جسم، ضروری‌تر می‌دانند.

و اما بعد...

به دیدِ ما، هر کتاب ققنوسی‌ست که از خاکسترش، کتابی نو زاده می‌شود و از خواننده‌اش، آدمی تازه!

چرا تن به سیلِ بنیان‌برافکن نخواندن و ندانستن و سطحیت دهیم؟!
چرا دست روی دست بگذاریم و تاریخ و فرهنگ غنی‌مان را در گذشته بنگریم و برای امروز، کاری نکنیم؟!

چرا سنگ روی سنگ و آجر روی آجر نگذاریم تا بنای باشکوه داشته‌هایمان، معمورتر و آبادتر نشود؟!

به فردایی بیندیشیم که آیندگان برای پویایی امروز، تحسین‌مان کنند!
برای فردا چه یادگاری ماندگارتر از کتاب؟!
آغاز با مولانا، انجام با مولانا...

به سهم خود، در دورانِ کم‌فروغ خواندن و دانستن، قدمی برداشته‌ایم که مولانای جان گفته است:

تو مگو همه به جنگند و ز صلح من چه آید؟!

تو یکی نه‌ای، هزاری، تو چراغِ خود برافروز!